



کتابخانه

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

يَا عَظَمَاءُنَا

يا حسين (ع)

سلام

« در مکتبِ امام حسین »

صلوات اللہ علیہ:

جلسہ چہارم - ۹ شہریور ۹۹ «

امروز «عاشوراء» است،

در چنین روزی، «مردانی» به ظاهر «مسلمان»،

«مهمان» والامقامی را که خودشان دعوت کرده بودند،

با رذالت و خیانت و دنائت، نه تنها «گُشتند»،

بلکه به شهیدان و اسیران، «جسارت» هم کردند.

شنبه ۱۱ محرم ۱۳۶۱ هجری قمری
۲۹ مهر ۵۹ خورشیدی
۱۹۹۱ اکتبر ۲۸ میلادی

روزنامه

حسین بن علی (ع):
من برای اصلاح دین جدم
و احیای امر به معروف و
نهی از منکر قیام کردم

پس از بی وفایی کوفیان به علی «ع»، امام مجتبی «ع» و مسلم بن عقیل

مسلمانان، حسین را هم کشتند

توسط نظامیان
یزید

کاروان
اسرای
کربلا به
سمت شام
می رود

● پس از جان باختن
حسین بن علی، سپاه
عمر بن سعد سر ۷۲ تن
از لشکریان حسین به
علاوه سر علی اصغر
فرزند ۶ ماهه او را
جدا کرده و بر بالای
نیزه ها گذاشتند و بر
اجساد کشته شدگان
اسب قاختند.

سپاه ابن سعد، فرات را به
محاصره گرفت و آب را
به روی امام حسین «ع» و
اهل بیت و اصحابش بست.



پس هر مسلمانى بايد از خودش پيرسد:

۱- « چرا » آنها چنین « جنایتی » را مرتکب شدند؟

۲- آن « مهمان » چه « جُرْمی » را مرتکب شده بود؟

۳- آن « خباثتهایِ » عصرِ عاشوراء به خاطر چه بود؟

۴- « زنانِ » مسلمانِ آن مسلمان نماها، چه می کردند؟

۵- چرا « هر روز عاشوراء و هر جایی کربلا » است؟

۶- آیا آن افراد حیوان صفت، از « **قبل** » اینطور بودند؟

۷- آیا زنان آنها، « **بی حجاب** و یا **بی نماز** » بودند؟

۸- آیا درست است که « **نماز بی ولایت** » نماز نیست؟

۹- « **مسجد ضرار** » کجاست و حکم نمازش چیست؟

۱۰- « **محور** » آشوبهای « **۷۸، ۸۸، ۹۸** » چه بود؟

پس هر مسلمانى بايد از خود پرسد
اصلا « من »، « تسليم » « كى » هستم؟

به نظر می‌رسد: « **ریشه** » تمامِ « **فجایعی** » که

از « **قایل** » تا « **عاشوراء** » تا « **۸۸** ... »،

در « تمام کشورهای جهان » رخ داده،

« **خودخواهی** » و پیروی از « **هوایِ نفس** »،

و « **بی‌اعتنایی** » به « **عقل** » بوده است.

سؤال ١:



« دشمنِ » امام حسین صلوات الله علیه

در « عاشوراء » که بود؟

اللَّهُمَّ اُنْعِنِ

اَلْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ

وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ *

اللَّهُمَّ اَعَنْهُمْ جَمِيعاً (زيارت عاشوراء)

سؤال ٢:



کدام عبادات، «تعطیل بردار» نیستند؟

« عبادات اسلامی »

یا « فروع دین »، عبارتند از:

۱- نماز، ۲- روزه، ۳- حج، ۴- جهاد، ۵- خمس،

۶- زکات، ۷- أمر به معروف، ۸- نهی از منکر،

۹- تولی، ۱۰- تبری.

انجامِ « هفت » مورد از این عباداتِ « دهگانه »،

فقط به « شرطِ » داشتنِ « **إستطاعت** »،

« **واجب** » می‌شوند:

۱- روزه، ۲- حج، ۳- جهاد، ۴- خمس،

۵- زکات، ۶- أمر به معروف، ۷- نهی از منکر.

اما « سه » مورد از این عباداتِ « دهگانه »،

در هیچ « شرائطی »، « تعطیل » نمی‌شوند

و « وجوبِ » آنها « دائمی » است،

که عبارتند از:

« ۱- نماز، ۲- توألی، ۳- تبری » (زیرا امور « قلبی » هستند.)

سؤال ٣:



شرطِ «قبولی» تمامِ عبادات
چیسٔ؟

وَ « بِمُواالَاتِكُمْ »

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ انْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ

وَ « بِمُواالَاتِكُمْ تَقْبِلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرِضَةَ

با (قبول) ولایت شما « کلمه (?) کامل شد » و « نعمت، تعظیم شد » و « تفرقه، الفت یافت. »

و با ولایت شما، « عبادات واجب »، « قبول می شود. » (زیارت جامعه کبیر)

با جنگ‌های: « **جمل** و **صفین** و **نهروان** و **کربلاء** »

و « **مسکن** » (محل نبرد معاویه با امام حسن مجتبی صلوات الله علیه)، ثابت شد که:

« نماز » و « شناخت و محبتِ » ائمه اطهار صلوات الله علیهم

بدون « **تبری** » و « **توئی** » و « **اطاعت** »،

نه تنها هیچ ارزشی ندارد بلکه « فریبنده » است::



تاریخ شما را با مواضعتان قضاوت خواهد کرد
نه نماز و روزه‌ای که خواندید

« مسلمان » باید خودش را

با « **تبری** » و « **توئی** » و « **اطاعت** » خود،

از « **خودخواهی** و **هواپرستی** » برهاند

و در تمام ابعاد (خانوادگی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ...) زندگی،

تسلیم²⁶ « **رسول باطنی** و **رسول ظاهری** » شود:

مسلمان واقعی، خود را با زیارت اربعین، متعهد می کند به اینکه:

۱۰- **وَ أَشْهَدُ** أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي

وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ

وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ

وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ

وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ

لذا از خداوند می‌خواهم که به معرفتتان و نایبانتان مرا گرامی دارد
و بیزاری از دشمنانتان را روزیم کند. (زیارت عاشوراء)

سؤال ٤:



بالاترین «مقام» برای انسان چه مقامی است؟

بالاترین و آخرین « مقامی » که

تمام « سعادت و کمالِ » انسان در آنجاست

و تمام انبیاء الهی، برای رساندن بشر به آنجا کوشیدند،

و تمام اعمال مومنین با این « نیت » انجام می‌شود،

مقامِ « تقرب به بارگاهِ الهی » است.

عواملِ «تَقَرُّبِ» به خدا کدامند؟

اللَّهُمَّ

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي

اول: بِاتِّبَاعِهِ مِنْهُمْ،

دوم: وَاللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ،

سوم: وَبِالْمُؤَالَاهِ لِنَبِيِّكَ،

چهارم: وَآلِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

باید این³⁴ تقاضای همیشگی و در تمام ابعاد زندگی من باشد. (نه ایام محرم و صفر)

چون خطِ «**نفاق**» همیشه ادامه دارد،
من باید از هر نوع «**همکاری**» با
«**خودخواهانِ مخالفِ امامت**» پرهیزم:

بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ

مِنْهُمْ وَأَتَّبِعُهُمْ

وَأَتَّبِعُهُمْ وَأُولِيَاءَهُمْ

من برای تقرّب به خداوند و به شما (نه تنها نباید از آنها باشم بلکه):
از آنها و حامیانشان و پیروان و کارگزارانشان باید متنفر هم باشم.

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ:

أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنْقَبَتْ لِقِتَالِكِ

« زین کردن » ، « لگام زدن » ، « نقاب زدن » (فرماندهی کردن)

« لعن‌های دهگانه » زیارت عاشوراء ، (خصوصاً این لعن)

باید « ثبیعه امام » را از هر گونه نزدیکی و همکاری و همراهی

با³⁷ مخالفین « امامت » اهل البیت صلوات الله علیهم، پرهیز دهد.

«بیزاری»، کافی نیست،
«شرط» دیگر برای «تقرب»:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛

إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَمَكُمْ

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

من تا قیامت در صلحم با هر که با شما صلح است
و در جنگم با هر که با شما در جنگ است تا روز قیامت.

آیا ما با «والدین»،

با «همسر»،

و با «فرزندان»،

و با «همسایگان» خود،

در «صلح» هستیم یا در «جنگ»؟

پس زیارتِ «**عاشوراء**»،

فقط زیارتِ «**شهداء**» کربلاء نیست،

بلکه برای «**عاشورایی**» شدن،

و «**معاشرت**» پیدا کردن با جبههٔ «**حق**»

و «**نقشه‌ای**» برای «**تقرب**» به بارگاه الهی است.

نکتہ پایانی:



قرن‌هاست که شیعیان،

با شنیدن « روضه‌ای جانسوز »،

کمی گریه می‌کنند و با حسرت می‌گویند:

ایکاش روز عاشورا با تو بودیم حسین جان.

حالی آنکه « **عاشوراء** »، هر روز تکرار می‌شود.

و برخی گمان می کنند که:

«عاشوراء»،

فقط در «نبردهای مسلحانه» است.

اما واقعیت اینست که چه در صلح چه در جنگ،

ما هر روز در معرضِ «عاشورایی بودن یا نبودنیم.»

اینکه در « فرآیند زندگی » خود،

خود را در « ابعاد مختلف »،

در « معاشرت و ملازمت با امام » ببینیم، یا

در « صف افراد ذیلی مثل یزید و ابن زیاد...؟ »

وقتی امام حسین صلوات الله علیه، به بیعتِ با یزید وادار شد،

او «انتخابش» را کرد و فرمود:

«مثلِ من» با «مثلِ یزید» بیعت نمی کند:

«**مثلی لا یُباعِ مثلِ یزید**»

و فرمود: «مرگ با عزّت» بهتر از «حیاتِ با ذلّت» است.

به استنادِ آن انتخاب و موضعگیری موخّدانه،

ما هم در هر روز، بارها «**عاشوراء**» را

در حد و اندازه‌ی زندگی خودمان،

تجربه می‌کنیم.

برخی از ما،

تا صحبت از پول و خوشی و رفاهِ دنیوی باشد

فوراً سراغِ یزید می‌رویم و « معاشِرِ » آنها می‌شویم

اما برخی حسینی عمل می‌کنند و بر حق می‌مانند

و برخی دلشان با امام و پا و عملشان با یزیدیان است.

پس « عاشورای » ما،

همین « انتخاب‌های هر روز » ماست:

راننده تاکسی، کارمند، بانکدار، حسابدار، کاسبکار، قاضی، روزنامه‌نگار،

مسئولین، واردکننده، صادرکننده، سیاستمدار، بانوان، دختران و پسران،

و همه اقشار جامعه، هر روز در معرض انتخابند.

آیا مردان و زنان و دختران و پسرانی که نمی‌توانند:
از حرف مردم، از درآمد غیر مجاز، از خودخواهی،
از بدن‌نمایی، از مهریه‌ی نجومی، از تجملات،
از اسراف، از دروغ، از ریا، از ربا، از خیانت،
از شهوترانی، از تنبلی، از هوسرانی، از غفلت،
از لجاجت، از بد اخلاقی، از تفاخر و تکبر و ... بگذرند،
آیا اگر در عاشورا بودند « **جانشان** » را می‌داند؟

« کار اصلی » امام حسین صلوات الله علیه،

و اصحاب با وفایش در « عاشوراء »،

« انتخابِ عاقلانه و مومنانه و موحدانه » بود،

انتخاب بین: « عزّت و ذلّت »

و ما هم هر لحظه در معرض انتخابیم، انتخاب بین:
عزت و ذلت، حلال و حرام، حق و باطل، مردی و نامردی،
مردمداری و مردم‌آزاری، حُسن خلق و بداخلاقی،
دنیا‌طلبی و آخرت‌گرایی، راست‌گویی و دروغ‌گویی،
ظلم^۱ و عدالت‌خواهی، طرفداری از حق یا حق‌پوشی و

درست است که در عاشورای ۶۱ ما نبودیم

ولی هزاران عاشورا را در عرصه‌ی:

خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی،

با « عزت و سربلندی یا ذلت و سرافکندگی »

پشت سر گذاشته یا در پیش رو داریم.

پس برای در رکابِ امام حسین صلوات الله علیه بودن،
لازم نیست به عاشورای ۶۱ برگردیم یا منتظر جنگ باشیم
ما هر جا که در معرضِ «**انتخاب**» قرار می‌گیریم،
درست مانند امام و اصحابش که در معرض انتخاب بودند،
در متنِ عاشورا قرار داریم.

که اگر عاقلانه و مومنانه و موحدانه انتخاب کنیم،

در کنار امام هستیم

اما اگر انتخابمان همراه با:

خودخواهی، غفلت، جهالت و نفسانیت باشد،

در رکاب یزید و در خدمتِ شمرهای این زمان هستیم.

پس هر انتخابی در هر لحظه‌ای از زندگی،

یک « عاشورای کوچک » است.

به همین خاطر گفته‌اند و چه زیبا گفته‌اند که:

كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا

پس برای همراهی با جبهه حق بگوئیم:

« لیک یا حسین »

« لیک یا مهدی »

اللَّهُمَّ

لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

وَتَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ

الْحُسَيْنِ⁵⁸ الَّذِينَ بَذَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

خدایا؛

اُنس ما را با قرآن و اهل بیت روزافزون فرما
و ما را «**عاشورایی**» و لایقِ «**شفاعت**»

امام حسین صلواتک علیه کن

و در زمینه سازی ظهور آخرین حجت،

ما را سهم قرار بده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ